قفسه

تقلید ژست آوانگارد

آخرین اثر پژوهشی فاطمه پورمند با عنوان کتاب «گفتمان هویت فرهنگی در هنر معاصر ایران» از سوی انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات روانه بازار نشر شده است. این کتاب که با نظارت پژوهشکده هنر منتشر شده، هنر معاصر ایرانی را با نگاهی انتقادی مورد پژوهش قرار داده و در این راه، کارکرد هویت فرهنگی را (به‌صورت ایرانی‌شدن یا ایرانیزه‌کردن هنر) به‌عنوان مسئله اصلی درنظر گرفته است. کتاب دامنه‌ای از هنرمندان و آثار هنری را موضوع بحث قرار می‌دهد که در عرصه جهانی به‌عنوان نمایندگان هنر معاصر منطقه خود مطرح شده و شهرت یافته‌اند. حضور جهانی هنر معاصر ایرانی در رویدادهای نمایشی و تجاری هنر، به‌نظر می‌رسد، وجهه‌ای از بین‌الملل‌گرایی عرصه فرهنگ جهانی را به نمایش می‌گذارد که پس از مبارزات گوناگون برای مرکززدایی از قدرت غربی و اعطای موقعیت برابر به حواشی فرهنگی به‌دست آمده است. دستاورد برابرخواهانه‌ای که پسامدرنیسم (به‌نوعی) و پسااستعمارگرایی برای دستیابی به آن کوشیده‌اند. اما نگاه دقیق‌تر به آنچه جهان از هنر معاصر ایرانی می‌بیند، آنگونه از هنری نیست که اقتضائات دوران خود را برآورده ساخته و همسو با تحولات اساسی هنر دوران متأخر یا به بیان دقیق‌تر، «معاصریت» دوران، دست‌کم بخشی از ارزش‌های فرهنگی متبوع خویش را در هنر تحقق بخشیده باشد. نظریه و روش انتقادی، هنر معاصر در جهان معاصر و هنر معاصر ایران عناوین ۳ فصل این کتاب است که پیش‌تر در قالب رساله دکتری با راهنمایی عفت السادات افضل طوسی در دانشگاه الزهرا دفاع شده و از سوی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات مورد حمایت قرار گرفته است.

قفسه

یک داستان مادرانه

رمان «در سکوتِ حرف‌هایمان» نوشته سیمونا اسپاراکو، نویسنده ایتالیایی، را نشر آفتابکاران با ترجمه هدا عربشاهی منتشر کرده است. اسپاراکو در این رمان از احساسات مادرانه می‌گوید و آنچه هر فرزندی در طول زندگی از عشق و علاقه مادر به‌خود درک می‌کند. جرقه اولیه طرح این رمان زمانی در ذهن این نویسنده ایتالیایی زده شد که او اخبار حادثه آتش‌سوزی برج گرنفل لندن را در روزنامه‌ها دنبال می‌کرد. اسپاراکو در این کتاب داستان مادرانی را روایت می‌کند که به‌دنبال صدایی برای بروز احساسات مادرانه‌شان هستند. اسپاراکو که خود مادر ۲ فرزند است با الهام از شعری تحت عنوان «اولین و آخرین نام» معتقد است نخستین نامی که بر زبان می‌آوریم و نیز آخرین نامی که پیش از مرگ به آن پناه می‌بریم «مادر» است. حوادث داستان در برلین آلمان می‌گذرد. هدا عربشاهی «در سکوت حرف‌هایمان» را از زبان ایتالیایی ترجمه کرده است. حق ترجمه به فارسی این رمان را آژانس ادبی «ویکلی سَتلا»، مالک کپی‌رایت آن، به نشر آفتابکاران واگذار کرده است. جایزه ادبی DeA Planeta ایتالیا در سال ۲۰۱۹ به سیمونا اسپاراکو برای نوشتن این رمان تعلق گرفت.

قفسه

دفترچه خاطرات

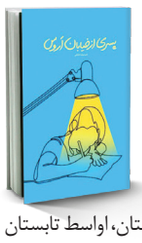

«پسری از خیابان آروس» نوشته حمیدرضا داداشی توسط دفتر نشر معارف منتشر و راهی بازار نشر شد. این رمان نوجوانانه، از زاویه دید و به قلم شخصیت اول داستان، یعنی «امیرحسین»، پسر نوجوان، (در قالب نامه‌نگاری و دفترچه یادداشت‌های روزانه) روایت می‌شود و زمان وقوع داستان، اواسط تابستان سال ۱۳۵۹ است. خانواده امیرحسین به‌خاطر شغل پدر مجبورند هر چند سال به شهرهای مختلف اسباب‌کشی کنند. چند سالی ساکن آبادان بوده‌اند و اکنون به تهران نقل‌مکان کرده‌اند. امیرحسین که علاقه‌مند به نویسندگی است صندوقچه‌ای دارد که خودش به آن «صندوقچه نویسندگی» می‌گوید و در آن دفترچه‌ای ۲۰۰برگ، خودکار و پاک‌کن و مداد و... گذاشته و با آن انس دارد و همیشه خاطرات روزانه، وقایع و دغدغه‌های فکری و ذهنی و سوژه‌ها و داستان‌هایش را در آن یادداشت می‌کند. خانواده عمه او ساکن انگلستان هستند و دخترعمه او «مونا» هم دستی بر نویسندگی دارد، بنابراین امیرحسین دائم از طریق نامه با او مکاتبه می‌کند و وقایع و خاطرات مهم زندگی‌اش را برای او می‌نویسد و برای نوشتن از او راهنمایی می‌خواهد. امیرحسین منتظر اتفاقی مهم و سوژه‌ای جذاب است که بتواند براساس آن داستانی بنویسد، اما خود را ناتوان می‌بیند و وقایع روزمره برایش کم‌اهمیتند.
از داداشی پیش از این کتاب‌هایی چون «عزیزخانم»، «پشت دیوار مدرسه»، «یکی‌بود، یکی نبود»، «یک روز قشنگ» و «عمودردسر» منتشر شده است. این کتاب با ۹۲صفحه، شمارگان ۱۰۰۰نسخه و قیمت ۳۵هزار تومان منتشر شده است.

فلورانس و فراتر از آن

گزارش اختصاصی همشهری از نمایشگاه آثار رافائل در نشنال گالری لندن

گزارش **طناز مظفری** روزنامه‌نگار

نشنال گالری لندن از تاریخ ۹ آوریل تا ۳۱ ژوئن میزبان مجموعه آثار رافائل نقاش بزرگ و شناخته‌شده ایتالیایی دوره رنسانس است. این نمایشگاه که احتمالا قرار بود ۲ سال قبل و گویا به مناسبت پانصدمین سالگرد درگذشت رافائل برگزار شود، به‌دلیل شرایط کرونایی به ۲ سال بعد موکول شده است. این نمایشگاه، نخستین نمایشگاه خارج از ایتالیای آثار رافائل است که شامل تمامی جنبه‌های فعالیت هنری او در طول زندگی حرفه‌ای و کاری‌اش می‌شود، تصویر جدیدی از ماهیت چند بعدی و خلاقانه هنرش را ارائه می‌دهد و ترسیم‌کننده او به‌عنوان یک هنرمند کارآفرین است. همچنین انرژی و اشتیاق خارق‌العاده او برای تعامل با کلیسا، پاپ‌ها و شاهزاده‌ها و گرفتن حمایت از آنها در مجموعه این آثار کاملا نظر بازدیدکنندگان را به‌خود جلب می‌کند. ترسیمِ ساده و ناب زیبایی در عین طبیعی بودن، وجود هماهنگی و هارمونی در طرح و رنگ، داستان‌سرایی او از طریق ترکیب ژست‌ها و فیگورها و ظرفیت دائماً در حال تکامل وی برای طراحی مبتکرانه که از ویژگی‌های برجسته و تحسین‌برانگیز آثار و هنر اوست، به ویژگی قابل توجه و نظرگیر این نمایشگاه بدل شده و نکته غم‌انگیز و حیرت‌آور اینجاست که رافائل سراسر این کارنامه پربار را در عمر کوتاه ۳۷ ساله‌اش ساخته است. در این نمایشگاه ۹۱ اثر از مجموع نقاشی‌ها، طرح‌های اولیه، کتیبه و نمونه‌هایی از اسکیس‌ها و ماکت‌های او به‌عنوان معمار در ۷ تالاری به نمایش گذاشته شدند که هر کدام از آنها دارای عنوانی برگرفته از درونمایه نقاشی‌ها و باقی آثار وی بودند مانند: کارهای اولیه، فلورانس و فراتر از آن، مدونا، هنرمند جهانی، مدرسه آتن و...

یک مواجهه هنری

سال ۱۳۸۴ سال آمادگی من برای آزمون کنکور بود؛ کنکور هنر. سال خداحافظی با ۱۲ سال تحصیل در مدرسه که ۳ سال آخرش (دبیرستان) می‌توانست به اندازه همه آن ۱۲ سال کشدار و خسته‌کننده باشد، به‌خصوص برای کسی که رؤیای پا گذاشتن به عالم هنر را دارد و دنیای نمایش. ریاضی و شیمی و زیست‌شناسی که هیچ، از کتاب ادبیات فارسی هم بخش اعلان‌ها و نمایه‌ها برایش جذاب است. ولی در عوض دارد جذابیت را در کتاب‌های مرتبط با کنکور هنر جست‌وجو می‌کند. می‌خواهد به جمع معدود دانش‌آموزان و داوطلبان کنکوری بپیوندد که دارند از فرایند درس خواندن لذت می‌برند. دارد به‌معنای واقعی لذت از درس خواندن را در تاریخ هنر پرویز مرزبان و دایره‌المعارف هنر رویین پاکباز کشف می‌کند. حظ مطالعه و یادگیری. شوق آشنایی با نقاشان و مجسمه‌سازان و هنرمندان نامدار. رافائل، رامبراند، داوینچی، میکل‌آنژ و... شور دانستن سبک‌ها و پرسه در دوره رنسانس و گوتیک و دانستن ویژگی‌های معماری سبک رمانسک... اینکه آیا می‌تواند در مواجهه با یک تابلوی نقاشی در اندک زمانی حدس بزند که آن اثر در سبک امپرسونیسم است یا نئوامپرسیونیسم. اشتراکات و تفاوت‌های آثار دالی و شاگال و مگریت را تشخیص بدهد. یا تأثیرات هنر داوینچی را در کارهای رافائل بجوید. به ارزش‌های هنری و تاریخی شب گئورنیکای داوینچی و جیغ ادوارد مونش پی ببرد و بفهمد آخرش دادائیست‌ها چه می‌گویند...
همه اینها در قالب مقدمه و تکرار نام رافائل در آن قرار است من یا همان داوطلب کنکور ۱۶ سال قبل را برساند به نخستین مواجهه‌ام به‌عنوان یک تماشاگر با مجموعه‌ای منتخب از آثار رافائل در نشنال گالری لندن آن هم در ابتدای حضورم در انگلیس.
بازدید من از این نمایشگاه در هفته‌های ابتدایی برگزاری آن صورت پذیرفت؛ آن هم با بلیتی به بهای ۲۴ پوند در کنار یک راهنما/اپلیکیشن صوتی به قیمت ۵ پوند. به این ترتیب که پس از وارسی بلیت، راهنمای موزه به شما بارکدی را ارائه می‌داد که با اسکن آن توسط گوشی موبایل‌تان وارد لینک راهنمای نشنال گالری شده و فایل صوتی‌ای را که برای برخی از نقاشی‌ها فعال شده بود، با ایرپاد یا هدفونی که به همراه داشتید گوش می‌کردید. البته در کنار هر تابلو یا کتیبه توضیحاتی درباره آن اثر نیز روی دیوار نصب شده بود و آنهایی که شامل توضیحات صوتی بودند نشانه هدفون را در پایان توضیحات داشتند. این توضیحات صوتی کمی مفصل‌تر از توضیحات کنار تابلوها بودند. همینطور در کنار بعضی از تابلوها که به زعم من یا شاید باقی بازدیدکنندگان به لحاظ بصری کمی گیراتر بودند علامت عکسبرداری ممنوع وجود داشت که با وجود این باز هم عده‌ای خواسته یا سهوا عکسبرداری می‌کردند که معمولا با تذکر راهنماهای موزه مواجه می‌شدند. از نکات ویژه این نمایشگاه اجباری نبودن ماسک بود و این را حتی در توضیحات تکمیلی ای‌میلی که بعد از خرید بلیت ارسال می‌شد ذکر کرده بودند که زدن ماسک به اختیار خودتان است.

من از معدود آدم‌هایی بودم که به اختیار خودم و شاید به این دلیل که تازه از ایران، جایی که زدن ماسک بیشتر از انگلیس توصیه می‌شود، آمده‌ام از ماسکم در فضاهای داخلی استفاده کردم. از نکات جالب دیگر این نمایشگاه برای من تنوع سنی بازدیدکنندگان بود، در مقایسه با تجربه‌هایم در ایران که بیشتر در چنین رویدادها یا نمایشگاه‌هایی شاهد حضور جوان‌ترها که عموما دانشجویان هنر یا هنرمندها هستیم، اما در اینجا آدم‌هایی در سنین مختلف می‌دیدیم، از جوان و پیر گرفته تا نوجوان‌ها یا حتی کسانی که دچار مشکل در راه رفتن و حرکت بودند و با ویلچر و کمک شخص دیگری آمده بودند که این اشخاص یا از همراهان آن فرد بودند یا به دلیل همراهی و کمک به آن فرد پولی بابت بلیت و بازدید از نمایشگاه پرداخت نمی‌کنند.

آغاز سفر

سفر در این نمایشگاه از اتاق یا تالار اول با تابلویی از جوانی خود نقاش آغاز می‌شود با عنوان چهره یک پسر که احتمالا مربوط به ۱۵ - ۱۶ سالگی هنرمند است. او در این نقاشی از گچ سیاه نرم استفاده کرده تانوری را که در چشمانش منعکس شده و سایه‌های ظریفی را که روی گونه‌ها و لب‌هایش افتاده به تصویر بکشد و این کار را با ظرافت و همانطور که در توضیحات کنار نقاشی نوشته شده با کنترل استادانه‌ای به انجام رسانده. بارقه‌هایی از استعداد و توانایی رافائل که در حال جوانه زدن است.
در ادامه همین تالار تابلوهایی می‌بینیم با عنوان‌هایی مثل سن‌سباستین، مطالعه یا تمرین برای پرتره سنت جیمز، راهپیمایی با کالاواری، سنت جورج و...

دوره اقامت رافائل در فلورانس دوره تکامل زندگی کاری و هنری او است. آمدن به جایی که مهد رنسانس است و ۲ هنرمند بزرگ هم‌دوره او (داوینچی و میکل‌آنژ) تحولی بنیادین در دنیای هنر ایجاد کرده‌اند. او درمی‌یابد که آنچه از نقاشی از استادش پروجینو در شهر محل تولدش اوربینو فرا گرفته رو به کهنگی گذاشته. تابلوی «مریم و کودک در کنار قدیس یوحنا»ی داوینچی که با زغال طراحی شده بود با استقبال زیادی مواجه می‌شود. قرار گرفتن رافائل در این فضا به‌ویژه تأثیرپذیری‌اش از داوینچی تغییراتی در ترکیب‌بندی‌های شبیه‌سازی‌اش از مریم یا مدونا ایجاد می‌کند. تابلوی باکره (مریم) و کودک در کنار یحیی تعمیددهنده (یحیی پیامبر) آغازگر سلسله نقاشی‌های او تحت عنوان باکره و کودک و مدوناست و همچنین تابلوهای دیگری با سوژه‌هایی از زنان. در این اثر که مسیح بغل مریم نشسته و نگاه مریم تداعی‌کننده حس لطیف مادرانه است.
اگر بخواهیم کارهای اولیه رافائل را با کارهای متاخرش مقایسه کنیم متوجه می‌شویم با وجود رنگ‌های شاد و رعایت جزئیاتی مثل انگشتان دست، نوعی ایستایی در این نقاشی‌ها دیده می‌شود. بدن‌ها رو به جلو و چهره‌ها براساس هندسه‌ای منظم شکل گرفته. درحالی که وقتی رافائل شروع به پیشرفت می‌کند چیزهایی در نقاشی‌های او نیز دچار پیچیدگی می‌شوند. بدن‌ها وزن خود را روی یک پا می‌گذارند، سرها خم شده روی شانه‌ها به ما نگاه می‌کنند و انبوهی از پارچه‌ها در باد می‌پیچند. حضور شخصیت‌ها در این نقاشی‌ها مثل حضور بازیگران است روی صحنه تئاتر؛ حضوری همراه با شور و حرکت.

از دیگر آثار شاخص این نمایشگاه نقاشی‌های روی پارچه رافائل در ابعاد بزرگ بود که نشان‌دهنده بخش دیگری از استعداد و توانایی او در نقاشی روی پارچه است. مثل نقاشی‌ای که ترکیبی از فرشتگان و گاوهای بالدار است.
اما نقطه عطف این نمایشگاه نقاشی دیواری مدرسه/مکتب آتن است؛ نقاشی‌ای که رافائل در آن به‌گونه‌ای خیال‌پردازانه مجموعه‌ای از شخصیت‌های برجسته یونان باستان را از میانه سده‌های چهارم و ششم گرد هم آورده بود. از افلاطون و ارسطو که در مرکز تصویر ایستاده‌اند گرفته تا فیثاغورث در پایین گوشه چپ تصویر احاطه شده توسط شاگردانش تا هراکلیوس که به آرنجش تکیه داده (که گفته می‌شود اساسا این تصویر بیشتر از هر چیزی پرتره‌ای از میکل‌آنژ است) و دیوژن و البته حضور خود نقاش در گوشه راست اثر- به تعبیری ایستاده در کنار زرتشت یا ابن‌سینا- که در نگاه اول برای افرادی که با چهره رافائل آشنایی نداشته‌اند به‌راحتی قابل شناسایی نیست، یک نقاشی سرشار از جزئیات در آن ابعاد بزرگ که باید زمانی بیشتر از زمان معمول را صرف تماشا و درک این جزئیات کرد.
در نقاشی خانواده مقدس با درخت نخل وارد دنیای عشق و علاقه رافائل به خانه و خانواده می‌شویم. تصویر این خانواده نشان‌دهنده دوران کودکی از دست رفته رافائل است. او در سال ۱۴۸۳ در شهر اوربینو واقع در منطقه رجینا به دنیا آمد، در سن یازده سالگی مادر و کمی بعدتر پدرش را که او هم یک هنرمند نقاش و شاعر بود از دست داد. تصاویر او از خانواده مقدس یا دیگر نقاشی‌هایش که در این حال‌وهوا هستند به گمان پژوهشگران آثارش از احساس فقدان او نسبت به خانواده و به‌ویژه مادرش نشأت می‌گیرد.
در ابتدای نوشته به این اشاره کردم که در این نمایشگاه ۹۱ اثر از رافائل به نمایش گذاشته شده بود که طبعا اشاره به تک‌تک این آثار و پرداختن به ویژگی‌های آن در این گزارش نمی‌گنجد و آنچه واضح است تنها اشاره به نقاط بارز این رویداد هنری/فرهنگی است. برای تماشای کامل نمایشگاه با صرف جزئیات که کاملا به حوصله، علاقه، هدف و کفش راحت بازدیدکننده بستگی دارد، باید زمانی حدود ۲ ساعت را به آن اختصاص داد که تنها به بخش‌هایی از آن در اینجا اشاره شد.

پایان سفر

در کنار عظمت نمایشگاه، پرتره‌های حامیان و دوستان رافائل است که نشان‌دهنده روابط انسانی گرم و دوستی‌های نزدیک او در طول زندگی‌اش و استعداد اولیه او برای به تصویر کشیدن شخصیت مدل‌هایش است. مثل پرتره پاپ ژولیوس دوم که خسته و بیمار روی صندلی نشسته یا خودنگاره خودش با جولیو رومانو که نشان‌دهنده رابطه شخصی بسیار نزدیک او با استاد شمشیربازی‌اش است.
براساس توضیحات فایل صوتی مربوط به این نقاشی، رافائل اندکی بعد از کشیدن آخرین پرتره‌اش دچار بیماری و تب شده این تب حدود یک هفته ادامه داشته و درحالی که همه تصور می‌کردند بعد از مدتی استراحت حالش بهبود می‌یابد، در سن سی‌وهفت سالگی می‌میرد و البته برخی مرگ او را نتیجه حجامتی که پزشک روی او انجام می‌دهد می‌دانند. با همه این اوصاف حداقل می‌شود گفت او خوشحال از دنیا رفت! و در آخر به قول منتقد روزنامه گاردین جاناتان جونز می‌توان گفت: رافائل هنرمندی بود که با هر نقاشی‌ای که می‌کشید زندگی را جشن می‌گرفت و در این نمایشگاه یک چیز را به ما نشان داد؛ رؤیای زیبایی و هارمونی را.

مکث

گاه‌شمار زندگی رافائل

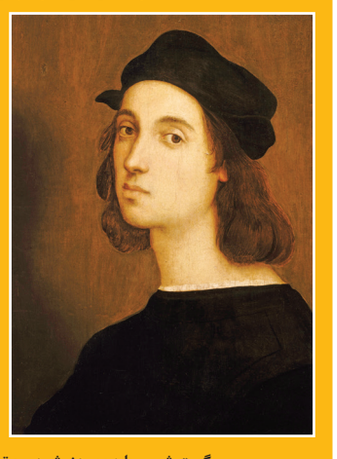

۱۴۸۳: اواخر مارس یا اوایل آوریل رافائل در اوربینو از ناحیه رجینا به دنیا می‌آید.
۱۴۹۴: آگوست، رافائل با مرگ پدرش یتیم می‌شود. مادرش ۳ سال قبل‌تر درگذشته بود.
۱۵۰۰: رافائل ۱۷ ساله نخستین مأموریت کاری/هنری خود را در citta di castello آغاز می‌کند.
۱۵۰۳/۴: رافائل ساکن پروجا می‌شود.
۱۵۰۴/۸-۵: مرکز فعالیت‌های هنری رافائل در این دوره فلورانس و پروجاست. جایی که او برای مشتری‌های خصوصی کار می‌کند. مجسمه‌های محراب را نقاشی می‌کند و باکره و کودک (مدونا) را به تصویر می‌کشد.
۱۵۰۸: رافائل به رم می‌رود تا برای پاپ ژولیوس دوم نقاشی کند و خیلی زود مدیریت پروژه‌های جاه‌طلبانه برای تزیین ساختمان‌های پاپ‌ها در کاخ واتیکان را به‌عهده می‌گیرد.
۱۵۱۱/۱۲: رافائل موقعیت خود را در دربار پاپ تضمین می‌کند، پرتره‌های پاپ ژولیوس دوم را می‌کشد و کار روی چندین پروژه معماری و تزیینی را برای بانکدار پاپ، آگوستینو چیگی آغاز می‌کند.
۱۵۱۳: وقتی پاپ ژولیوس دوم می‌میرد و لئو ایکس، حامی بزرگ هنر جانشین او می‌شود، رافائل به کار روی ساختمان پاپ جدید ادامه می‌دهد. کارگاه او بیشتر گسترش می‌یابد و بر هنرش در رم تسلط پیدا می‌کند.
۱۵۱۴: لئو ایکس رافائل را به‌عنوان معمار اصلی کلیسای جدید سنت پیتر منصوب می‌کند.
۱۵۱۵: رافائل شروع به طراحی مجموعه‌ای از پرده‌های نقاشی شده برای لئو ایکس می‌کند تا دیوارهای کلیسای سیستین را بپوشاند. در ماه اوت به‌عنوان نقشه‌بردار روم باستان با نظارت بر حفاری‌ها منصوب شد.
۱۵۲۰: پس از یک دوره کوتاه بیماری، رافائل می‌میرد.

گزارش **آرش نهاوندی**؛ روزنامه‌نگار

اصیل‌ترین ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم

هر مسلمانی علاقه‌مند به درک معنی و فحوای کلام قرآن‌مجید است و این تنها محدود به مسلمانان عرب‌زبان نمی‌شود. با گسترش اسلام به‌ویژه در سال‌های اخیر در سراسر دنیا، امروزه در کشورهای غربی از هر ۵مسلمان، ۴مسلمان به زبان عربی که قرآن کریم برای نخستین بار به آن زبان بر پیامبر(ص) نازل شده، سخن نمی‌گویند و در نتیجه از درک کلام قرآن‌مجید قاصرند. علاوه بر این، تعداد زیادی غیرمسلمان در سراسر دنیا وجود دارد که علاقه‌مند به درک کلام قرآن کریم و آشنایی با فحوای کلام و تفاسیر گوناگون این کتاب مقدس به زبان خود هستند. از آنجا که زبان انگلیسی به نوعی از متداول‌ترین زبان‌های بین‌المللی است، تا به امروز ترجمه‌های زیادی از کتاب‌های قرآن‌مجید به زبان انگلیسی انتشار یافته است. به‌دلیل زیادبودن ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم، به سختی بتوان تشخیص داد که کدام یک بهترین است یا کدام‌ها جزو بهترین‌ها هستند. ترجمه‌های انگلیسی قرآن‌مجید هر یک با هدف خاصی و برای انواع مختلف خوانندگان انجام گرفته است. از سوی دیگر باید این واقعیت را درنظر داشت که نثر عربی قرآن به‌طرز شگفت‌آوری هم دارای معانی عمیق است و هم از سلاست و روانی کم‌نظیر و سبک شاعرانه غنی‌ای برخوردار است. بنابراین تنها راه درک مستقیم و بی‌واسطه کلام قرآن‌مجید و پی‌بردن به غنای آن، دانستن زبان عربی است. در این مطلب ما تلاش کرده‌ایم ترجمه‌های اصیل‌تر و نزدیک‌تر به اصل قرآن کریم و ترجمه‌هایی که بر درک آیات قرآن‌مجید نزد مسلمانان جوامع انگلیسی‌زبان تأثیر زیادی گذاشته‌اند را به همراه تعدادی از ترجمه‌های جدید بررسی کنیم.

اولین ترجمه‌های قرآن کریم

اولین ترجمه قرآن‌مجید که در جوامع انگلیسی زبان به‌طور گسترده با اقبال مواجه شد و مورد تأیید قرار گرفت، ترجمه‌ای است با عنوان «معنای قرآن باشکوه» اثر محمد مرمدوک پیکچتال که برای نخستین در سال ۱۹۳۰ انتشار یافت. در سال ۱۹۳۴ نیز عبدالله یوسف علی ترجمه دیگری از قرآن‌مجید با عنوان «قرآن مقدس» را انتشار داد. این دو ترجمه اگر چه از نخستین ترجمه‌های معاصر قرآن کریم به زبان انگلیسی بودند اما با نقص‌هایی نیز همراه بودند، ازجمله اینکه هر دوی این ترجمه‌ها از سبکی شاعرانه برخوردار بودند و در مواردی نیز در این ترجمه‌ها از عبارات منسوخ یا غیرمصطلح در زبان انگلیسی معاصر استفاده شده بود. غیر از این اشکلات، این دو ترجمه از قرآن کریم به درستی فحوای کلام قرآن را به خواننده منتقل می‌کنند و همچنان از ترجمه‌های محبوب و در دسترس برای مسلمانان و غیرمسلمانان علاقه‌مند به خواندن قرآن کریم هستند. این دو ترجمه اولیه قرآن کریم به انگلیسی، معیارهایی از ترجمه خوب قرآن کریم ارائه دادند که تا به امروز نیز توسط مترجمان معاصر کما و بیش رعایت می‌شود. این دو کتاب در زمان انتشار همراه با پانویس‌های توضیحی گسترده در پایین هریک از صفحات، ارائه شدند.

پیام قرآن

در سال ۱۹۸۰ محمد اسد ترجمه جدیدی از قرآن کریم را تحت عنوان «پیام قرآن» منتشر کرد. پیام قرآن تنها یک ترجمه نبود، بلکه ترجمه و تفسیر قرآن کریم به زبان انگلیسی بود. محمد اسد یک کلیمی اتریشی بود که اسلام آورد و سال‌ها روی ترجمه پیام قرآن کار کرد، او به‌منظور ارائه ترجمه بهتری از قرآن کریم، تحقیقات آکادمیک زیادی نیز انجام داد. این ترجمه از شاعرانه‌ترین ترجمه‌های قرآن کریم به زبان انگلیسی است. مترجم این کتاب به جای ترجمه کلمه به کلمه و جزء به جزء آیات قرآن‌مجید، تلاش کرده با ادبیات انگلیسی سلیس و روان، معانی آیات و سوره‌های قرآن‌مجید را به خواننده کتاب خود منتقل کند. اسد، مقدمه‌ای بسیار جامع درباره این ترجمه نوشته و علاوه بر این، پیام قرآن را به پانویس‌های خواندنی مزین کرده است. توضیحات ارائه‌شده از فحوای کلام قرآن در پانویس‌ها این کتاب را تبدیل به یکی از مطرح‌ترین ترجمه‌های قرآنی نزد خوانندگان انگلیسی‌زبان کرده است. البته این کتاب نیز خالی از اشکال نیست و برخی از تفاسیر محمد اسد درست به‌نظر نمی‌رسند، بنابراین برای استفاده بهتر از این ترجمه لازم است که آن را با ترجمه‌های دیگر نیز انطباق داد.

قرآن شریف

«قرآن شریف» از ترجمه‌های شاخص معاصر قرآن کریم توسط عبدالحق و عایشه بیولی از مترجمان باتجربه و بسیار پرکار در زمینه ادبیات اسلامی است. این ترجمه در سال ۱۹۹۹ انتشار یافت. در این ترجمه معنای آیات قرآن‌مجید به‌طور مستقیم و به زیبایی هرچه تمام‌تر به انگلیسی برگردانده شده است. مترجمان این نسخه انگلیسی از قرآن کریم در ترجمه خود کمتر از کروشه‌ها و پانویس‌های گسترده که می‌تواند از سلاست متن بکاهد، استفاده کرده‌اند. در کتاب قرآن شریف به‌منظور حفظ سلاست و روانی متن از ترجمه واژه‌های عربی آشنا برای همه مسلمانان ازجمله صلاه(به معنای نماز)، دین به‌معنای مذهب، آیین و شیوه زندگی خودداری شده است. در انتهای ترجمه قرآن شریف نیز واژه‌نامه‌ای فراهم شده که در آن به معانی تمام کلمات عربی به‌کار رفته در متن اشاره شده است. این کتاب بیشتر با هدف مطالعه مسلمانان یا خوانندگان آشنا به اسلام و آشنا به واژه‌های عربی تدوین و چاپ شده است.

قرآن: یک ترجمه جدید

کتاب «قرآن: یک ترجمه جدید» اثر محمد عبدالحلیم سعید ازجمله متاخرترین ترجمه‌های قرآن کریم به زبان انگلیسی است که توسط انتشارات دانشگاه آکسفورد در سال ۲۰۰۴ انتشار یافته است. عبدالحلیم سعید، استاد قرآن و عربی کلاسیک و فارغ‌التحصیل دانشگاه الازهر قاهره است. او هم‌اکنون در رشته مطالعات اسلامی در دانشکده مطالعات شرق و آفریقا در دانشگاه لندن تدریس می‌کند. کتاب قرآن: یک ترجمه جدید استادی او را در ادبیات قرآنی نشان می‌دهد. محمد عبدالحلیم سعید به جای ترجمه تحت‌اللفظی، فحوا و معنای کلام قرآن‌مجید را به روانی و سلاست به انگلیسی برگردانده است. این کتاب اکنون یکی از معتبرترین ترجمه‌های معاصر از قرآن کریم است. قرآن: یک ترجمه جدید دارای یک مقدمه و پانویس‌های کوتاه توضیحی است. خواندن این کتاب برای هر قشر از خوانندگان به‌دلیل سلاست و روانی و توضیحات خلاصه، مناسب تشخیص داده شده است.